

## چو کفر از کعبه بر خیزد کجا ماند مسلمانی؟

نامه سرگشاده عنوانی وزیر معارف افغانستان

نوشته نورعلی دوست، کانادا

۱۵ میزان ۱۳۹۰

جلالتمآب محترم!



صادقانه و بدون هیچ غرضی چشم‌دیدم را از اوضاع واحوال معارف و زندگی رقتبار و تأسف انگیز معلمین مکاتب ولسوالی شغنان بدخشان که در جریان سفرم به این ولسوالی بملاحظه رسید، برای رهائی از ناراحتی های الم آور روحی ام ازینکه جز این کمکی به این عزیزان از توانم پوره نبود، خواستم جناب عالی را که آخرین مرجع و اولین مسئول این ارگان همیشه پر افتخار که همه ی ما، در دامن پر فیض آن پرورش یافته ایم، به پیشواز روز پر از افتخار معلم ضمن تقدیم و نثار صمیمانه ترین تمنیات و تبریکات قلبی ام به مناسبت حلول این روز مقدس به همه ی معلمین شرافتمند میهن ما و جهان، بطور فشرده بیان نمایم، تا باشد توجهی به حال نابسامان معلمین و معارف این خطه ی باستانی صورت گیرد .

قبل از همه با اظهار تأسف عمیق قابل بیان میدانم که وزارت محترم تعلیم و تربیه افغانستان چگونه از شرایط دشوار کار و زندگی (۸۶۳) معلم و بی سرنوشتی تعداد کثیری از معلمین و فارغان مؤسسه ی علمی دارالمعلمین ولسوالی شغنان که بزرگترین و مطمئن ترین نیروی مطمئن و توانای معارف کشور اند بی اطلاع مانده و چنین حالت زندگی و شرایط کار را بر معلمین زحمتکش و

با احساس این سرزمین که امتحان وطنپرستی خود را در تمام حالات دشوار زندگی در برابر شاگردان و مردم شان بدون اخذ معاش و هیچ امتیازی بارها به اثبات رسانیده اند، قابل قبول بدانند که به هیچوجه با روحیه عدالت، انصاف و احساس معارف پروری سازگار نخواهد بود و خدا کند که چنین نباشد. بهر حال به آگاهی شما و سائر مسؤولین ذیربط رسانیده میشود که معلمین مکاتب ولسوالی شغنان درین شرایط، بعد از هر شش ماه و اضافه تر از آن معاش میگیرند و فعلاً اضافه از شش ماه است که معاش دریافت نموده اند و جز این مدرک زندگی عاید دیگری هم ندارند، در حالیکه دیگر مؤسسات دولتی و غیر دولتی این ولسوالی با چنین مشکلات رو برو نمیشوند. با وجود این مدت زیاد معطلی جانکاه باز هم در اجرای هر استحقاق معاش، معلمین و معتمد معاشات این ولسوالی مجبور به پرداخت رشوه میشود و ازین مدرک هزینه آنها باید معلمین بپردازند، معتمد کم بخت قبلی ازین بابت باقیدار شده تمام مایملکاتش را از دست داده است. حالا نوبت معتمد جدید است. هر قدر معاشات معطل شوند مقدار پول زیاد و تقاضای شیرینی چند برابر میشود. در حالیکه شرایط انتقال پول به تمام ولسوالی های سرحدی شغنان از طریق بانک آغاخان (بانک قرضه های کوچک) که بمقصد رشد اقتصاد خانواده ها و دستگیری به فعالیت های اقتصادی و سرمایه گذاری های کوچک، حمایت از پیشه وران، صنایع بومی و ملی با تادیه قرضه های نقدیه و رهنمائی های سودمند در مورد چگونگی ایجاد و طرز پیشبرد پروژه ها و سائر فعالیت های اقتصادی کار و فعالیت مینماید، به قول محترم محمد داود کریمی رئیس این بانک در ولایت بدخشان، به تمام ولسوالی های سرحدی که دارای نمایندگی این بانک اند ممکن میداند. اما تا جائیکه معلوم است اجرا و حواله معاشات از طریق این بانک به درآمد غیر مشروع دست اندر کاران ریاست تعلیم و تربیه بدخشان ضرر میرساند و ازین رو از چنین اجرائت به بهانه های واهی طرفه میروند و به مشکلات اقتصادی که معلمین بیچاره به آن دست و گریبان میباشند توجه نمی نمایند. علاوه بر تغییر و تبدیل بیدلیل مدیران، کارمندان و مخصوصاً معلمین، بدون در نظر داشت زمان معین تعیینات، شرایط تحصیلی

و اخلال امور تدریس که در تمام سال تعلیمی در جریان می باشد از دیگر مشکلات برنامه های تعلیم و تربیه می باشد. دست اندر کاران این سیاست ازین طریق بهترین راهبرد و وسیله سؤه استفاده از حال زار معلمین که ناچار میشوند برای حفظ شغل شان رشوه بپردازند، بازار گرمی را براه انداخته اند. شرم آور تر ازان در یک پست معلمی و یا اداری بطور پیهم بدو نفر یکی پی دیگر مکتوب تقرری میدهند که منجر به مزایده داوطلبی میگردد، بدین ترتیب، رفت و آمد های کاندید های پست داو طلبی به ریاست تعلیم و تربیه بدخشان در شهر فیض آباد آغاز و با مزایده مقدار رشوه بعد از چندین بار رفت و آمد، سرانجام یکطرف متقاضی ورشکست شده از صحنه رقابت رشوه دهی خارج میشود. اینگونه رویداد ها و درامه های واقعی بطور آشکار جزء اجرائت روزمره و اصول استخدام این اداره گردیده است. همچنان بطور پلان شده بعضاً معلمین را در مکاتبی مقرر و بعد از دو یا سه ماهی بدون دلیلی تبدیل و یا اضافه بست مینمایند، و سر انجام این تعداد معلمین را وادار مینمایند تا در بدل مقرری مجدد شان از معاش قبلی خود طی این دوره خدمت صرف نظر نمایند. و اجرای حواله معاشات این گونه معلمین صرف در استحقاقهای متفرقه مخصوص ریاست عمومی تعلیم و تربیه بدخشان و مستوفیت کار سازی و حیف ومیل میشوند. خلاصه در تاریخ معارف بدخشان چنین حالت تأسف بار و نفرت انگیز بطور قطع وجود نداشته است. همچنان قابل یاد آوریست که در اداره ریاست تعلیم و تربیه ولایت بدخشان هیچگونه نظم اداری برقرار نبوده، هر کدام از مسؤولین شعبات این اداره مستقلانه و به شیوه دلخواه خود اجرائت نموده، تابع احکام و دساتیر هیچ ارگانی منجمله مقام ولایت نمیشاند. مشکل دیگر معلمین ولسوالی های سرحدی که در فاصله های دور از مرکز ولایت ( شهر فیض آباد ) قرار دارند و غالباً فاقد راه ماشین رو و وسایل ترانسپورتی میباشند، موضوع راجستر معلمین در ریاست تعلیم و تربیه بدخشان در شهر فیض آباد می باشد. این وظیفه توسط شخصی که به اصطلاح خود را به حیث نماینده فوق العاده وزیر معارف معرفی نموده و در حقیقت وزیر مختار است، اجرا میگردد. این بزرگوار با وجود احکام مقام ولایت و تقاضای مکرر مدیریت های مکاتب و

ریاست های تعلیم و تربیه ولسوالی های سرحدی بدخشان بمنظور جلوگیری ازاخلال جریان تدریس، سرگردانی معلمین و مخارج و زحمات سفر، حاضر نیست در عوض ده ها معلم، مخصوصاً معلمین طبقه اناث حتا بمرکز این ولسوالی ها رفته معلمین مکاتب را راجستر نماید. در حالیکه شبکه انترنیتی روشن و شبکه انترنیتی اندیگاه در تمام ولسوالی های سرحدی فعال بوده و انجام این کار در تمام ولسوالی های سرحدات بدخشان ممکن میباشد. که بدین صورت به ده ها تن از معلمین و معلمه ها با طی سفر های پر از رنج و طولانی به ریاست تعلیم و تربیه بدخشان آمده و بعد از روز ها انتظار مؤفق به راجستر ودو باره رهسپار وظیفه میشوند که بطور متوسط اضافه از (۱۵) روز رسمی را در بر میگیرد. ولی سفر برای جناب محترم مسؤل راجستر معلمین به ولسوالی های سرحدی که میتواند بطور مستقیم و یا با اخذ ویزه از طریق دفترقونسل جمهوری تاجیکستان در شهر فیض آباد از راه اشکاشم بھر ولسوالی سرحدی که بخواهد بطور آسوده میسر شده میتواند. ولی این جناب سفر به این ولسوالی ها را کسر شأن شان میداند.

موضوع بسیار مهم دیگر کمبود معلمین مسلکی در سائر مکاتب ولسوالی های بدخشان است. هم اکنون در ولسوالی شغنان ده ها تن از فارغان دارالمعلمین بطور بیکار موجود اند، واین بیکاری سبب ازدیاد متقاضیان کار در مکاتب ولسوالی شغنان گردیده که با وجود داشتن (۱۲) باب لیسه (۱۰) باب متوسطه با مشمولین اضافه از (۱۴) هزار متعلم امکان جذب همه ی این معلمین درین مکاتب نمیشد. ریاست تعلیم و تربیه بدخشان در مورد جلب و جذب و تشویق این فارغین که تعداد شان سال به سال افزوده میشود اقدامی نه نموده است. بر خلاف معلمینی را که اغلباً دارای سواد خصوصی و بعضاً اسناد تحصیلی تقلبی را تهیه نموده اند در مکاتب استخدام نموده است. که بدین ترتیب اکثریت مکاتب از معلمین دارای تخصص در علوم ساینس بی بهره و علوم اجتماعی هم بطور شاید و باید تدریس نمیگردد. که بدین ترتیب آینده معارف این ولایت با خطر جدی مواجه میباشد.

آنچه بطور کلیات بیان گردید واقعیت های عینی محدودی هستند که متأسفانه دامنگیر معارف ولایت بدخشان اند و هر گاه مقامات محترم تعلیم و تربیه به مجموع نحوه ی اداره و کار کرد های تعلیم و تربیه بدخشان توجه بفرمایند، به مشکلات و پروبلمهای عظیمتری رو به رو خواهند شد که به یقین برای بهبود و برون رفت این ارگان نهایت مقدس کاربزرگ و تلاش خستگی نا پذیری را در در پیش رو خواهند داشت که انجام شان کاملاً حیاتی و ضروری میباشد. به امید بهروزی و پیروزی .

نورعلی دوست کانادا